

انتظارات امام حسن مجتبی علیه السلام از شیعیان

سیدجواد حسینی

تهیه و تنظیم:

معاونت تبلیغ و امور فرهنگی حوزه‌های علمیه



بسمه تعالی

آنچه پیش رو دارید، بیان برخی انتظارات و توقّعاتی است که امام حسن مجتبی علیه السلام از امت اسلامی؛ بخصوص از شیعیان دارد. امید آنکه ره توشه‌ای برای رهروان کوی دوست باشد.

۱. خدا محوری

از مهمترین انتظاراتی که تمام انبیاء و اولیاء از بندگان خدا، داشته‌اند و دارند این است که مردم در کارها و رفتارها خدا محور باشند و رضایت الهی و خداوندی را در تمام امور محور و اساس قرار دهند. امام حسن مجتبی علیه السلام نیز که خود خدا محور و سراپا اخلاص بود، از امت اسلامی و شیعیان خویش توقّع و انتظار دارد که رضایت الهی را محور فعالیت خویش قرار دهند. این توقّع را گاه با بیان زیان مردم محوری و خارج شدن از محور رضایت الهی ابراز می‌دارد، آنجا که فرمود: «مَنْ طَلَبَ

رَضِيَ اللَّهُ بِسَخَطِ النَّاسِ كَفَاهُ اللَّهُ أُمُورَ النَّاسِ وَ مَنْ
طَلَبَ رَضِيَ النَّاسِ بِسَخَطِ اللَّهِ وَ كَلَّهُ اللَّهُ إِلَى
النَّاسِ؛ (۳) هر کس رضایت خدا را بخواهد هر چند
با خشم مردم همراه شود؛ خداوند او را از امور مردم
کفایت می کند و هر کس که با به خشم آوردن
خداوند دنبال رضایت مردم باشد، خدا او را به
مردم وا می گذارد.

و گاه فوائد خدا محوری و در نظر گرفتن رضایت
الهی را به زبان می آورد و می فرماید: «أَنَا الضَّامِنُ لِمَنْ
لَمْ يَهْجُسْ فِي قَلْبِهِ إِلَّا الرِّضَا أَنْ يَدْعُو اللَّهَ فَيُسْتَجَابَ
لَهُ؛ (۴) من ضمانت می کنم برای کسی که در قلب
او چیزی نگذرد جز رضا [ی خداوندی]، که خداوند
دعای او را مستجاب فرماید.»

مخصوصاً در ماه مبارک رمضان که ماه تمرین
اخلاص و دستیابی به رضایت الهی است، این
توقع دو چندان می شود؛ چرا که هدف اصلی از ماه

مبارک رمضان این است که امت اسلامی و شیعیان برای فتح قلّه رضایت الهی مسابقه دهند و در پایان ماه، همه بر آن قلّه صعود کنند. راوی از حضرت امام حسن علیه السلام این مهم را چنین نقل می‌کند: امام حسن علیه السلام روز عید فطر بر گروهی از مردم گذر کرد که مشغول بازی و خنده بودند، بالای سر آنها ایستاد و فرمود: «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ شَهْرَ رَمَضَانَ مِضْمَارًا لِخَلْقِهِ فَيَسْتَبِقُونَ فِيهِ بِطَاعَتِهِ إِلَى مَرْضَاتِهِ فَسَبِّحْ قَوْمٌ فَفَازُوا وَ قَصَّرَ آخَرُونَ فَخَابُوا؛ (۵) به راستی، خداوند ماه رمضان را میدان مسابقه برای خلق خود قرار داده است تا به وسیله طاعت او برای جلب رضایت خداوند بر یکدیگر سبقت گیرند. مردمی سبقت گرفتند و کامیاب گشتند و دیگران کوتاهی کردند و ناکام ماندند.»

رسیدن به رضایت الهی آرزوی تمام انبیاء بوده است. لذا در روایت آمده است که «موسی علیه

السلام عرض کرد: خدایا! مرا به عملی راهنمایی کن که با انجام آن به رضایت تو دست یابم. خداوند وحی کرد که ای فرزند عمران! رضایت من در سختی و گرفتاری تو است که طاقت آن را نداری. موسی به سجده افتاد و مشغول گریه شد... سرانجام وحی شد که ای موسی! رضایت من در رضایت تو به قضا و تقدیرات من است.» (۶)

۲. فراگیری دانش

علم و دانش کلید خیرات و دستیابی به سعادت است. بدون دانش نه راه سعادت معلوم است و نه حرکت ممکن؛ به همین جهت از مهم‌ترین مأموریت‌های انبیا در طول تاریخ، تعلیم کتاب و آموزش مسائل دینی و تربیتی بوده است. از مهمترین توقّعات امامان معصوم علیهم السلام از شیعیان این است که اهل دانش و فراگیری حکمت باشند.

امام حسن مجتبی علیه السلام فرمودند: «عَلِمَ
النَّاسَ عِلْمَكَ وَتَعَلَّمَ عِلْمَ غَيْرِكَ؛ (۷) دانش خود را به
مردم بیاموز و دانش دیگران را یادگیر.»

خداوند تمام امکانات فراگیری دانش را در اختیار
ما قرار داده است. لذا لازم است که از چشم و گوش
و فرصتها بیشترین استفاده را ببریم و با فراگیری
دانش، شك و شبهه را از دل و درون خویش بیرون
برانیم.

امام حسن علیه السلام فرمود: «إِنَّ أَبْصَرَ الْأَبْصَارِ مَا
نَفَذَ فِي الْخَيْرِ مَذْهَبُهُ وَ أَسْمَعَ الْأَسْمَاعِ مَا وَعَى التَّذْكَيرَ
وَ انْتَفَعَ بِهِ وَ اسْلَمَ الْقُلُوبِ مَا ظَهَرَ مِنَ الشُّبُهَاتِ؛ به
راستی، بیناترین دیده‌ها آن است که در خیر نفوذ
نماید، و شنواترین گوش‌ها آن است که تذکرات
[دیگران] را بشنود و از آن بهره مند شود و سالم‌ترین
دل‌ها آن است که از شك و شبهه پاک باشد.» (۸)

۳. اندیشیدن و تفکر

علم و دانش آنگاه نتیجه بخش و ثمرده خواهد بود که با تفکر و تدبّر همراه باشد. خواندن و فراگیری قرآن نیز آنگاه مفید و مثمر خواهد بود که با تدبّر و تفکر همراه شود. از مهم‌ترین انتظاراتی که امامان ما از شیعیان خویش داشته و دارند، این است که اهل اندیشه و تفکر باشند. آنان این توقّع را با بیانه‌های مختلف ابراز نموده‌اند.

امام مجتبی علیه السلام می‌فرماید: «أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَإِدَامَةِ التَّفَكُّرِ، فَإِنَّ التَّفَكُّرَ أَبُو كُلِّ خَيْرٍ وَأُمُّهُ»؛ (۹) شما [شیعیانم] را به پروا پیشگی و اندیشیدن دائم سفارش می‌کنم؛ زیرا تفکر پدر و مادر [وریشه و اساس] تمامی خوبیها است.»

در جای دیگر فرمود: «عَلَيْكُمْ بِالْفِكْرِ فَإِنَّهُ مَفَاتِيحُ أَبْوَابِ الْحِكْمَةِ»؛ (۱۰) بر شما [شیعیان] لازم است که اندیشه کنید؛ زیرا فکر کلیدهای درهای حکمت

است.»

راستی اگر امت اسلامی بیشتر اندیشه و تفکر می کردند و به آن عمل می نمودند، این همه عقب ماندگی و مشکلات نداشتند و این همه محل تاخت و تاز استعمارگران و ابرقدرتها قرار نمی گرفتند.

گاه دل مولا امام حسن علیه السلام بدرد آمده و با زبان گلایه اظهار می دارد: «عَجِبْتُ لِمَنْ يَتَفَكَّرُ فِي مَأْكُولِهِ كَيْفَ لَا يَتَفَكَّرُ فِي مَعْقُولِهِ فَيُجَنَّبُ بَطْنَهُ مَا يُؤْذِيهِ وَ يُودِعُ صَدْرَهُ مَا يُرْدِيهِ؛ (۱۱) در شگفتم از کسی که در [چگونگی استفاده از] خوراکیهای خود اندیشه می کند ولی درباره معقولات خویش اندیشه نمی کند. پس از آنچه معده اش را اذیت می نماید دوری می کند، در حالی که سینه [و روح] خود را از پست ترین چیز پر می کند.»

راستی در کدام مکتب و مذهب جز اسلام و تشیع

پیدا می‌کنید که این همه بر علم و دانش، تدبّر و تفکر، اندیشه و تعقل سفارش و تاکید نموده باشند.

۴. تلاش و کوشش

فکر و اندیشه، و یا تأمل و تدبّر، آن گاه ارزش حقیقی و عینی خویش را نشان می‌دهد که منجر به عمل و تلاش و سعی و کوشش شود، وگرنه تفکری که منهای عمل باشد، ارزش واقعی نخواهد داشت. در واقع فکری مطلوب و کارساز است که به عمل و تلاش بینجامد.

یکی از انتظارات امام حسن علیه السلام این است که بندگان الهی در کنار علم و اندیشه، اهل تلاش و عمل باشند. آن حضرت فرمود: «اتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ وَ جِدُّوا فِي الطَّلَبِ وَ تَجَاهِ الْهَرَبِ وَ بَادِرُوا الْعَمَلَ قَبْلَ مُقَطَّعَاتِ النَّقِمَاتِ وَ هَادِمِ الذَّاتِ، فَإِنَّ الدُّنْيَا لَا يَدُومُ نَعِيمُهَا وَلَا تُؤْمَنُ فَجِيعُهَا وَلَا تَتَوَقَّى مَسَاوِيهَا، غُرُورٌ حَائِلٌ وَ سِنَادٌ مَائِلٌ» (۱۲) ای بندگان خدا! پروا پیشه

باشید و برای رسیدن به خواسته‌ها تلاش کنید و از کارهای ناروا بگریزید و قبل از آنکه ناگواریها به شما روی آورند و نابود کننده لذات [یعنی مرگ] فرا رسد، به کار [های نیک] مبادرت ورزید، پس برآستی نعمتهای دنیا دوام ندارند و [کسی از] خطرات و بدیهای آن در امان نیست. [دنیا] فریبکار زودگذر و تکیه گاهی سست و بی اساس است.»

نکته دیگری را که حضرت مجتبی علیه السلام علاوه بر اصل تلاش و عمل گوشزد می کند و انتظار دارد که به آن توجه شود، این است که انسان هم باید برای دنیا کار و تلاش کند و هم برای آخرت. کلام نغز و دلنشین امام حسن علیه السلام در این باره چنین است: «وَاعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا؛ (۱۳) برای دنیایت چنان کار کن که گویا برای همیشه [در این دنیا] خواهی بود. و برای آخرت [نیز چنان] سعی و

تلاش کن که گویا فردا از دنیا خواهی رفت.»

طالب علمی به عالمی گفت: نیمه شبها و قبل از سحرها بیدار می شوم، درس بخوانم بهتر است و یا نماز شب؟ عالم در جواب او گفت: کاری کن که هم درس بخوانی و هم نماز شب. نه درس فدای نماز شب و عبادت شود، و نه عبادت فدای درس و منبر، نه کار بخاطر عبادات مستحبی و... کنار گذاشته شود، و نه عبادات واجب و مقداری مستحب بخاطر کار یا اضافه کاری به تأخیر افتاده و یا از دست برود.

۵. صبر و بردباری

از يك سو دنیا جای حوادث و مصائب است و از طرف دیگر، انجام عبادات و کنترل شهوات نیاز به قدرت و نیرو دارد، آنچه انسان را در مقابل حوادث و مصائب نیرومند و مقاوم می سازد، صبر و بردباری است و آنچه انسان را بر انجام عبادات نیرو و توان

می‌بخشد، استقامت و پایداری است. و آنچه انسان را بر شهوات غالب و پیروز می‌سازد، صبر و پایداری است. از انتظارات مهمّ امام حسن مجتبی علیه السلام این است که شیعیان و پیروان او در تمام مراحل زندگی صابر و بردبار باشند، حضرتش در این زمینه دلسوزانه می‌فرماید: «جَرَّبْنَا وَ جَرَّبَ الْمُجَرَّبُونَ فَلَمْ نَرِ شَيْئًا أَنْفَعُ وَ جَدَانَا وَ لَا أَضَرُّ فَقْدَانَا مِنَ الصَّبْرِ تُدَاوِي بِهِ الْأُمُورُ» (۱۴) تجربه ما و دیگران نشان می‌دهد که چیزی نافع‌تر از داشتن صبر، و زیان‌بارتر از فقدان بردباری دیده نشده است، صبری که بوسیله آن تمام [دردها و] امور درمان می‌شود. راستی که باید گفت:

صَدِّ هَـٰذَا رَانَ كَيْمِيَا حَقَّ أَفْرِيد
كَيْمِيَايِي هَمْـُٔ وَ صَبْر، آدَم نَدِيد
امام مجتبی علیه السلام در کلام دیگری فرمود:
«الْخَيْرُ الَّذِي لَا شَرَّ فِيهِ الشُّكْرُ مَعَ النِّعْمَةِ وَ الصَّبْرُ عَلَى

النَّازِلَةُ؛ خیری که شرّ ندارد، شکر در حال نعمت و
بردباری در مقابل ناگواری است.» (۱۵)

کلید صبر کسی را باشد اندر دست
هر آینه در گنج مراد بگشاید
به شام تیره محنت بساز و صبر نما
که عاقبت سحر از پرده روی بنماید

۶. دَقّت در دوستیابی

رفیق و دوست عمیق ترین تأثیر را بر زندگی و رفتار
انسان دارد، تا آنجا که گفته شده: «الْمَرْءُ عَلَى دِينِ
خَلِيلِهِ؛ انسان بر آیین رفیقش است.» به این علّت
در قرآن و روایات، سخت بر آیین دوست یابی
تاکید و سفارش شده است. امام حسن مجتبی
علیه السلام نیز از نزدیکترین افراد خانواده تا
شیعیان انتظار دارد که در انتخاب دوست و رفیق
دَقّت بخرج دهند و مراقب باشند که در دام
دوستان ناباب گرفتار نشوند.

در سفارشی به یکی از فرزندان خویش فرمود: «یا بُنَى لَا تُؤَاخِ أَحَدًا حَتَّى تَعْرِفَ مَوَارِدَهُ وَ مَصَادِرَهُ، فَإِذَا اسْتَنْبَطْتَ الْخُبْرَةَ وَ رَضِيتَ الْعِشْرَةَ فَأَخِهِ عَلَى إِقَالَةِ الْعَثْرَةِ وَ الْمُوَاسَاةِ فِي الْعِشْرَةِ؛ (۱۶) پسر من! با هیچ کس برادری [و دوستی] مکن مگر آنکه [اوّل] بداننی کجا رفت و آمد دارد و از چه خانواده‌ای می‌باشد، هر گاه به این مسئله پی بردی و معاشرت و دوستی او را [طبق معیارها] پسندیدی، پس با او برادری [و دوستی] کن، در گذشتن از لغزشها و همدردی در سختی.»

حضرت در این باره فقط به سفارش اکتفا نکرده، بلکه گاه به معرفّی الگوهای عینی، و دوستانی که خود بر اساس معیارهای مطلوب انتخاب نموده می‌پردازد، و درباره یکی از دوستان خود چنین می‌فرماید: «او از دیدگاه من از همه مردم بزرگتر بود و اساس بزرگی او به دیده من، کوچکی دنیا در دیده

او بود، از سلطه جهالت برون بود. دست دراز
 نمی کرد مگر نزد کسی که مورد اعتماد بود و سودی
 در آن وجود داشت، نه شکایتی داشت و نه
 خشمگین و ناخشنود بود، بیشتر روزگارش را
 خاموش بود، پس هنگامی که سخن می گفت بر
 گویندگان و زبان آوران غلبه می یافت. مردی افتاده
 بود و مردم ناتوانش می انگاشتند؛ اما همین که زمان
 تلاش و جدّیت فرا می رسید، شیر بیشه را می ماند!».

حضرت در ادامه بیان اوصاف دوست خوبش
 می فرماید: «كَانَ إِذَا جَامَعَ الْعُلَمَاءَ عَلَى أَنْ يَسْتَمَعَ
 أَخْرَصَ مِنْهُ عَلَى أَنْ يَقُولَ، كَانَ إِذَا غُلِبَ عَلَى الْكَلَامِ
 لَمْ يُغْلَبْ عَلَى السُّكُوتِ، كَانَ لَا يَقُولُ مَا لَا يَفْعَلُ وَ
 يَفْعَلُ مَا لَا يَقُولُ، كَانَ إِذَا عُرِضَ لَهُ أَمْرَانِ لَا يَذَرِي أَيُّهُمَا
 أَقْرَبَ إِلَى رَبِّهِ نَظَرَ أَقْرَبَهُمَا مِنْ هَوَاهُ فَخَالَفَهُ، كَانَ لَا
 يَلُومُ أَحَدًا عَلَى مَا قَدْ يَقَعُ الْعُذْرُ فِي مِثْلِهِ؛ (۱۷) چون با
 دانشمندان جمع می شد به شنیدن بیشتر شیفته

بود تا به گفتن. اگر در سخن مغلوب می شد، در خاموشی مغلوب نمی گشت. آنچه را انجام نمی داد نمی گفت، ولی کارهایی انجام می داد که آن را به زبان نمی آورد. اگر در مقابل دو کار قرار می گرفت که نمی دانست کدامیک از آن دو خدا پسندانه تر است، آن را انجام نمی داد که نفسش می پسندید، هیچ کس را به کاری که زمینه عذر در آن بود سرزنش نمی کرد.»

پی نوشت:

۱. اسماء بنت عمیس از زنان سعادتمند شمرده می شود، او اوّل همسر جعفر بن ابی طالب بود که از او سه پسر آورد بنام، عبدالله (شوهر حضرت زینب)، عون و محمد. پس از شهادت جعفر در جنگ موته، با ابوبکر ازدواج نمود که محمد بن ابوبکر را به دنیا آورد و بعد از ابوبکر با امیر مؤمنان علیه السلام ازدواج کرد که ثمره آن پسری به نام یحیی بود.
۲. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۳۸ و ر. ک: هاشم معروف الحسني، سيرة الائمة الاثني عشر (قم، منشورات الشريف الرضي) ج ۱، ص ۴۶۲.
۳. محمدی ری شهری، میزان الحکمة، ج ۴، ص ۱۵۳.

۴. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۵۱.

۵. تحف العقول (همان)، ص ۴۱۰، شماره ۲۲.

۶. منتخب میزان الحکمه، محمدی ری شهری، ص ۲۲۱، شماره ۲۶۲۸.

۷. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۱.

۸. علی بن شعبه، تحف العقول، انتشارات آل علی علیه السلام، چاپ

اول، ۱۳۸۲، ص ۴۰۸، شماره ۱۷.

۹. مجموعه ورام، ج ۱، ص ۵۳.

۱۰. میزان الحکمه، محمدی ری شهری، ج ۸، ص ۲۴۵.

۱۱. بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۱۸.

۱۲. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۹؛ تحف العقول (همان) ص ۴۰۸، شماره ۲۰.

۱۳. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۳۹.

۱۴. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحديد، ج ۱، ص ۳۲۰.

۱۵. تحف العقول (همان) ص ۴۰۴، شماره ۸.

۱۶. همان، ص ۴۰۴، شماره ۳.

۱۷. همان، ص ۴۰۶، شماره ۱۳.

* تاکنون درباره امام حسن مجتبی علیه السلام در مجله مبلغان مقالات
ذیل به چاپ رسیده است:

۱. پرتوی از زندگانی امام حسن مجتبی علیه السلام، سید عباس رفیعی پور
علوی، شماره ۴، ص ۷۵.

۲. جلوه‌های علوی در نگاه امام مجتبی، عباس کوثری، شماره ۱۱، ص ۱۹.

۳. تربیت در سیره و سخن امام مجتبی، عبدالکریم تبریزی، شماره ۲۳،
ص ۵۰.

۴. شمه‌ای از فضائل و مناقب امام حسن مجتبی علیه السلام، سید جواد

حسینی، شماره ۳۵، ص ۴۹.

۵. چرا امام حسن صلح کرد؟، میرزا عباس مهدوی فرد، شماره ۴۰، ص ۶۳.

۶. اشاره ای به کرامات امام حسن علیه السلام، تقوی. صادقی، شماره ۴۷،

ص ۴۲.

۷. معجزات و کراماتی از امام حسن مجتبی، سید جواد حسینی، شماره

۵۲، ص ۴۴.